

دکتر تد هیلدبرانت، ستایش در کتاب دوم، جلسه ۱

متن متعارف

تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تد هیلدبرانت در حال تدریس در مورد ستایش خدا در کتاب دوم مزامیر است. این جلسه شماره یک، متن اصلی کتاب دوم مزامیر است.

عصر بخیر. ما در حال بررسی مجموعه‌ای کوتاه از سخنرانی‌ها در مورد ستایش خدا در کتاب دوم مزامیر هستیم. این اساساً مزامیر ۴۲ تا مزامیر ۷۲ را شامل می‌شود. این مقاله، بسط مقاله‌ای است که برای کریگل نوشته‌ام و قرار است در سال ۲۰۱۸ با عنوان «بنیاد پرستش بر اساس کتاب مقدس» منتشر شود.

ممنون که به ما پیوستید. به عنوان مقدمه، من بخش زیادی از این مطلب را به صورت پشت سر هم خواهم خواند، زیرا این مطلب از مقاله کتاب گرفته شده است. ما با شرحی از زمینه اصلی کتاب دوم از نظر ویژگی‌ها و جریان آن به عنوان یک واحد شروع می‌کنیم.

در ادامه، سه شخصیت اصلی کتاب مزامیر، یعنی پادشاه، مزمورنویس و دشمن را بررسی خواهیم کرد. دشمن خائن، مزمورنویس را مسخره می‌کند، شرمند می‌کند و در پی به دام انداختن، بلعیدن و نابودی اوست. مزمورنویس برای رهایی و محافظت فریاد می‌زند.

پادشاه الهی یا انسانی، عدالت را نجات می‌دهد، محافظت می‌کند و اجرا می‌کند. سپس مزمورنویس، پادشاه الهی را ستایش می‌کند. زمینه‌ی آیینی کتاب دوم نیز به عنوان زمینه‌ای بررسی خواهد شد که در آن ستایش خدا در معبد از طریق قربانی‌ها و موسیقی، در میان جماعت جشن بیان می‌شود.

سپس نشان خواهیم داد که مرثیه اغلب مبنایی برای ستایش است و حتی نفرین نیز اغلب با ستایش مرتبط است. در ادامه، خود ستایش‌ها در بحثی در مورد دعوت به ستایش، علت ستایش، چگونگی ستایش و جایگاه ستایش بررسی خواهند شد. در نهایت، این ارائه‌ها با برخی از پیامدهای پرستش مدرن و ستایش خدا در کتاب دوم مزامیر به پایان می‌رسد.

و حالا مقدمه اینجاست. من باید موقع خواندن ادامه مطلب روی دکمه کلیک می‌کردم، اما قرار است در مورد محتوای اصلی کتاب صحبت کنیم. این خلاصه‌ی ارائه‌ی امروز ماست.

سپس دفعه بعد به سه شخصیت اصلی، پادشاه، مزامیرنویس و دشمن، خواهیم پرداخت. زمینه فرقه‌ای مزامیر و به ویژه آن را در کتاب دوم مزامیر خواهیم دید. ما سوگواری را به عنوان اساس ستایش قرار خواهیم داد.

سپس آن نفرین را به عنوان مبنایی برای ستایش پیشنهاد خواهیم کرد. سپس پس از انجام این کارها، در واقع به خود ستایش‌ها، دعوت به ستایش، علت ستایش، نحوه ستایش و جایگاه ستایش خواهیم پرداخت. و در نهایت، هفتمین ارائه ما پیامدهای آن برای پرستش مدرن خواهد بود.

خب، اینها فقط مقدمه بودند. و حالا می‌خواهیم درباره‌ی زمینه رسمی کتاب دوم مزامیر صحبت کنیم. عنوان عبری کتاب مزامیر تهیلیم است که به معنای ستایش‌ها می‌باشد.

و شما با این کلمه از قبل آشنا هستید زیرا از ریشه‌ای به نام هالال ساخته شده است، کلمه‌ای که بارها شنیده‌ایم. هاللوایه. و بنابراین این به معنای ستایش یهوه یا ستایش خداوند است.

کتاب مزامیر با تقسیم شدن به پنج کتاب، با تورات یا اسفار پنجگانه موازی است. و بنابراین، اگر به این کتاب‌ها نگاه کنید، می‌توانیم ببینیم که کتاب اول، مزامیر فصل اول تا ۴۱ است که عمدتاً مزامیر داوود است. کتاب دوم، مجموعه دوم مزامیر داوود، مزامیر ۴۲ تا مزامیر ۷۲.

کتاب سوم شامل مزمور ۷۳ تا مزمور ۸۹ و کتاب چهارم شامل مزمور ۹۰ تا ۱۰۶ است. و در نهایت کتاب پنجم، مزمور ۱۰۷ تا مزمور ۱۵۰. هر کتاب با عبارات پایانی ستایش و سپس یک آمین مضاعف مشخص شده است.

و بنابراین، اینگونه است که ما می‌دانیم کتاب در کدام بخش متوقف شده و به بخش بعدی رفته است. آیات پایانی هر یک از کتاب‌ها را با هم مقایسه کنید. و بنابراین، کاری که من انجام داده‌ام این است که تک تک آیات پایانی را بیرون کشیده‌ام.

بنابراین، برای مثال، اینجا پایان کتاب اول است و این فصل ۴۰ آیه ۱۳ است. در آن آمده است: «ستایش باد بر خداوند، خدای اسرائیل از ازل تا ابد.» آمین و آمین.

و اینگونه است که کتاب اول به پایان می‌رسد. و بنابراین، می‌توانید ببینید که اگر کتاب دوم را بخوانید، کتاب دوم در فصل ۷۲ آیه ۲۰ به پایان می‌رسد و می‌گوید، ستایش از آن خداوند است، خدای اسرائیل که تنها اوست که کارهای شگفت‌انگیز می‌کند. ستایش کنید، و ستایش دیگری خواهید داشت.

بنابراین، در واقع اینجا یک ستایش دوگانه وجود دارد. نام باشکوه او را تا ابد ستایش کنید. باشد که تمامی زمین از جلال او پر شود.

، آمین و آمین. و در واقع مزمور ۷۲:۲۰ با این جمله به پایان می‌رسد. این پایان دعاها داوود، پسر یسی است.

و اینگونه است که کتاب دوم به پایان می‌رسد، یک پایان بسیار واضح. این پایان دعاها داوود است. کتاب سوم، به همین ترتیب، در مزمور ۸۹ آیه ۵۲ به پایان‌هایی رسیده‌اید.

ستایش تا ابد از آن خداوند باد. آمین و آمین. بنابراین، این بخش با دو آمین و یک ستایش به پایان می‌رسد.

کتاب چهارم، مشابه، فصل ۱۰۶ آیه ۴۸، ستایش از آن خداوند است، خدای اسرائیل از ازل تا ابد. همه مردم بگویند، آمین. خداوند را ستایش کنید.

و بنابراین، شما یک آمین واحد در آنجا می‌شنوید. و سپس در نهایت، کتاب پنجم با مزمور ۱۵۰ به پایان می‌رسد که آخرین مزمور است. و مزمور ۱۵۰ سپس شامل مناجاتی از ستایش خداوند، ستایش خداوند ستایش خداوند است.

و سپس آنچه در انتها اتفاق می‌افتد این است که کلمه پایانی کل مزمور را دریافت می‌کنید که ستایش خداوند یا هاللوایه آخرین کلمه کتاب مزمور است. این مطالعه ویژگی‌ها و منحصر به فرد بودن پرستش خدا را در کتاب دوم مزمور، مزمور ۴۲ تا مزمور ۷۲، بررسی خواهد کرد. بنابراین، ما فقط به کتاب دوم خواهیم پرداخت.

ضمناً، این کتاب‌ها موازی با شریعت موسی هستند. بنابراین، تورات پنج کتاب دارد. و بنابراین در اینجا پنج کتاب داریم که در مزامیر به موازات آن قرار دارند.

مزامیر دوباره با مزامیر داوود تکامل یافتند. مزامیر داوود حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده و آخرین مزامیر مربوط به دوران تبعید یا پس از تبعید، حدود سال ۵۸۶ یا کمی بعد از آن، یا کمی بعد از آن خواهد بود. بنابراین کتاب مزامیر در یک دوره حدود ۴۰۰ ساله گردآوری شده است.

و بنابراین ما قصد داریم به ویژگی‌های کتاب دوم بپردازیم، اما عمده‌تاً پنج کتاب از اسفار پنج‌گانه موسی وجود دارد. و سپس پاسخی از پنج کتاب مزامیر وجود دارد. عناوین داوودی بر کتاب اول غالب هستند.

و بنابراین عناوین فصل‌های سوم تا ۴۱ عمده‌تاً عناوین داوودی هستند. این اولین مجموعه داوودی نامیده می‌شود. با این حال، در کتاب دوم با مجموعه دوم داوودی که در فصل‌های ۵۰ تا ۷۰ است، تنوع بیشتری وجود دارد.

اما در کتاب دوم، در فصل‌های اول ۴۲ تا ۴۹، پسران قورح را داریم. و این پسران قورح در شماره ۱۶ یافت می‌شوند، جایی که زمین دهان باز می‌کند و قورح را می‌بلعد. اما ظاهراً، بعداً، آنها کاهنانی بودند که در برخی از عبادت‌های مزامیر، عبادت‌های فرقه‌ای، شرکت داشتند.

بنابراین، مزامیر ۴۲ و ۴۳ به هم مرتبط هستند. مزامیر ۴۳ در واقع یک مزمور یتیم است. و مزمور یتیم چیست؟ مزمور یتیم مزموری است که هیچ عنوانی ندارد.

و در جفت آغازین، جفت مزمور، این ترجیع‌بند، چرا جان من افسرده‌ای؟ چرا در من چنین پریشانی؟ به خدا امید داشته باش، زیرا من هنوز او را ناجی و خدای خود ستایش خواهم کرد. و این ترجیع‌بند که چرا جان من افسرده‌ای در فصل ۴۲، آیه ۵، فصل ۱۱: ۴۲ و همچنین در ۴۳: ۵ یافت می‌شود که فصل‌های ۴۲ و ۴۳ را به چیزی که من آن را یک جفت مزمور می‌نامم، پیوند می‌دهد. بنابراین ۴۲ و ۴۳ یک جفت مزمور مشابه جفت‌هایی که در مزمور فصل‌های ۱ و ۲ یا مزمور فصل‌های ۹ تا ۱۰ یافت می‌شوند، تشکیل می‌دهند.

مزامیر ۴۲ تا ۴۳، ۴۴ و ۴۵ همگی با عنوان ماسکیل نامگذاری شده‌اند. بنابراین، مزامیر ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۵ همگی ماسکیل یا مزامیر آموزشی هستند. مزامیر ۴۲، ۴۳ تا ۴۹ همگی عنوان سرپرست موسیقی را دارند.

و بنابراین، این عناوین، این مزامیر را اساساً از ۴۲ به ۴۹ پیوند می‌دهند. در مزمور ۵۰، یک مزمور از آساف وجود دارد که به احتمال زیاد از مجموعه آساف گرفته شده است. مجموعه آساف، مزامیر ۷۳ تا ۸۳ است.

پس چرا مزمور ۵۰ با اینکه مزمور آساف است، به این شکل از مجموعه مزامیر آساف جلوتر کشیده شده است؟ دلیل اصلی آن ارتباط موضوعی آن با مزمور ۵۱ در کتاب دوم است. در مزمور ۵۰، خدا نیازی به قربانی‌های آنها ندارد زیرا او صاحب گاوها در هزار تپه است. در مزمور ۵۱، داوود قربانی خوبی از دل شکسته و پشیمان تقدیم می‌کند.

و بنابراین بین قربانی‌های مختلف بین مزمور ۵۰ و مزمور ۵۱ که در آن داوود قربانی خوبی را تقدیم می‌کند که همان قلب شکسته و پشیمان است، تضادی وجود دارد. مزمور ۵۱ تا ۷۰ مجموعه دوم داوود نامیده می‌شود. پس بگذارید ببینیم آیا این را متوجه شده‌ام یا نه.

ما ماسکیل را برای مدیر موسیقی داریم و احتمالاً باید برگردیم و به این نگاه کنیم. ببخشید، من باید دکمه را فشار می‌دادم. اما بخش عمده‌ای از مزمور ۵۰ آساف، مزمور آساف است که به دلیل ارتباطش با مزمور ۵۱، جلوتر کشیده شده است.

مزمور ۵۰ همان مزمور بسیار معروفی است که در آن آمده است که او صاحب گله‌های هزاران تپه است. و این موضوع عمدتاً در این زمینه قرار می‌گیرد که اساساً خدا به هیچ چیز نیاز ندارد. او به غذای شما نیازی ندارد.

من به قربانی‌های شما به عنوان غذا نیازی ندارم. اگر غذا می‌خواستم، آن را دارم، من صاحب گاوهای هزاران تپه هستم. سپس داوود می‌گوید که اینگونه می‌توان قربانی خوبی داد.

و خب، تقریباً اینجا بحث ما همین است. حالا، داوود یک قربانی نیکو تقدیم می‌کند و مزامیر ۵۱ تا ۷۰. ببینیم که آیا من این را دریافته‌ام یا نه.

بله، اینجا است. مزمور ۵۱ تا ۷۰. ما دومین را داریم، چیزی که به آن مجموعه دوم داوود می‌گویند.

و باز هم، زیرا عنوان مدیر موسیقی در مزامیر ۵۱ تا ۶۲ و ۶۴ تا ۷۰ غالب است. مزمور ۷۱ مزمور یتیم است. و اساساً دعایی است برای اینکه داوود در پیری رها نشود.

و بعد مزمور ۷۲، یه جورایی جالبه. بذارید برگردم به یادداشت‌های اینجا. کتاب دوم با مزامیر سلیمان. پادشاه، پسر داوود، و این جمله که دعاها یسی، پسر داوود، رو تموم می‌کنه، تموم می‌شه.

آنچه در مزمور ۷۱ می‌بینید اساساً داوود است، که در این برهه پیرمردی ناتوان است و می‌گوید، پروردگارا، مرا در پیری رها نکن. و سپس آنچه که پاسخ بین مزمور ۷۱ و مزمور ۷۲ است، عمدتاً همان چیزی است که سلیمان در مزمور ۷۲ با سلیمان پادشاه به دست می‌آورد. بنابراین، اینجا حرکت مشابهی بین مزمور ۷۱ و مزمور ۷۲ وجود دارد.

و بنابراین اساساً چیزی که شما دارید، اولین پادشاهان و اولین پادشاهان است که در آن خدا درباره ضعف و این چیزها صحبت می‌کند. بنابراین، احتمالاً می‌خواهید به ارتباط بین مزمور ۷۱ که در آن داوود ضعیف است و خدا دعا می‌کند که او را رها نکند، و مزمور ۷۲ که در آن سلیمان سپس قدرت می‌گیرد و برای عدالت و حکومت به عنوان یک پادشاه می‌رود، توجه کنید. بسیار بسیار شبیه به اول پادشاهان ۱ که در آن داوود ضعیف است و او ابیشگ است و تمام آن وضعیت در حال وقوع است.

و سپس سلیمان در اول پادشاهان، فصل‌های دوم و سوم را آغاز می‌کند. بنابراین، کتاب سوم شامل مزامیر آساف و فصل‌های ۷۳ تا ۸۳ آن است. و در ادامه چیزی که می‌خواهم بررسی کنم، چیزی است که مزامیر الهی نامیده می‌شود.

مزمور الوهیستی از مزمور ۴۲ تا مزمور ۸۳ است. این نامگذاری ناشی از مشاهده‌ی استفاده‌ی نادر از نام الهی یهوه است. به همین دلیل است که به آن مزمور الوهیستی می‌گویند زیرا یهوه فقط ۲۷ بار در کتاب دوم آمده است.

D و با حرف بزرگ R با حرف بزرگ O، با حرف بزرگ L، با حرف بزرگ (LORD) یهوه به صورت خداوند به ۱۳۱ بار. بنابراین، شما ۲۷ بار (God) به معنی خدا (Elohim) ترجمه می‌شود. افزایش استفاده از الوهیم

دارید که در مزامیر بسیار کم است تا ۱۳۱ که در کتاب مزامیر بسیار زیاد است. مزمور (Yahweh) یهوه الوهیستی از مزمور ۴۲ تا ۸۳ است.

این در تضاد با نسبت پنج به یک یهوه به الوهیم در بقیه مزامیر است. به عبارت دیگر، در بقیه مزامیر، یهوه پنج بار استفاده شده است و الوهیم، خدا، فقط یک بار برای هر پنج بار برای الوهیم استفاده شده است بنابراین، در مورد یهوه است که ۲۶۰ بار استفاده شده است در حالی که الوهیم حدود ۵۶ بار استفاده شده است.

یه جدولی هست که می‌خواهم روش کار کنم و یه جورایی حال و هواش رو عوض کنم. کتاب‌های اول، چهارم و پنجم حدود شش به یک به نفع یهوه هستن. و کتاب‌های دوم و سوم حدود شش به یک به نفع الوهیم هستن.

بنابراین، یک تفاوت آشکار وجود دارد و به همین دلیل است که به آن مزامیر الوهیستی می‌گویند، زیرا نام الوهیم در این کتاب آمده است. حالا می‌خواهم نموداری ارائه دهم که این را نشان دهد، این نموداری است، که واقعاً آن را روشن می‌کند، و سپس فقط در مورد این صحبت کنم. بنابراین شما کتاب اول را دارید کتاب اول، کاربردهای یهوه حدود ۸۵ بار است.

کلمه یهوه به صورت لرد ترجمه شده است. کلمه الوهیم فقط ۱۵ بار استفاده شده است. در اینجا، در کتاب چهارم، یهوه ۸۶ بار و الوهیم، خدا، فقط ۱۴ بار استفاده شده است.

در کتاب پنجم، کلمه «یهوه» ۸۹ بار و کلمه «الوهیم» فقط ۱۱ بار استفاده شده است. حالا به تضاد بین این دو نگاه کنید. بنابراین، در کتاب‌های اول، چهارم و پنجم، کلمه «یهوه» عمدتاً شش بار به یک بار استفاده شده است.

اما در کتاب دوم، جایی که ما هستیم، توجه کنید که کلمه «یهوه» فقط ۱۴ بار و کلمه «الوهیم» ۸۶ بار استفاده شده است. همین موضوع در کتاب «الف» از بخش سوم کتاب نیز صدق می‌کند، ۱۳ بار برای یهوه و ۴۵ بار برای «الوهیم» استفاده شده است. و بنابراین، می‌توانید ببینید که چرا این دو بخش را «کنار هم قرار داده‌اند و به این بخش، «الوهیسم» می‌گویند.

الوهیم، نام خدا، الوهیم، خدا عمدتاً در کتاب دوم و بخش اول کتاب سوم استفاده می‌شود. و بخش دوم کتاب سوم سپس آن را به روش دیگر برمی‌گرداند، دو به یک، ۳۱ به ۱۶، یهوه ۳۱، الوهیم ۱۶. و بنابراین این اساساً فقط توصیف مزامیر الوهی و تأکید بیشتر بر الوهیم است.

قرار است در کتاب دوم ببینیم که در کجا هستیم. حالا یک مدرک دیگر هم برای این موضوع وجود دارد. و من می‌خواهم همین را مطرح کنم.

آنچه در مزامیر داریم، مزامیر موازی و تقریباً یکسانی است، مزمور ۱۴ و مزمور ۵۳. آنها تقریباً مزامیر یکسانی هستند، کلمه به کلمه، یکسان. مزمور ۱۴ و مزمور ۵۳.

مزمور ۱۴ در کتاب اول و مزمور ۵۳ در کتاب دوم است. بنابراین، می‌خواهم این دو مزمور را با هم مقایسه کنم تا ببینم آیا تغییری ایجاد شده است یا خیر. و در واقع چیزی که می‌بینیم این است که تغییری ایجاد شده است.

و خب، با من در این مسیر همراه باشید. من شما را در این مسیر راهنمایی خواهم کرد. خب، ما مزمور ۱۴ را در مقایسه با مزمور ۵۳ داریم.

حالا مزمور ۵۳ در مزامیر الوهیستی و مزمور ۱۴ در کتاب اول است. پس این به نفع یهوه خواهد بود. و. بنابراین، چیزی که شما دارید این است که می‌گویید، خداوند از آسمان به پایین نگاه می‌کند.

منظور از پروردگار در اینجا یهوه است. ما کلمه یهوه را به پروردگار ترجمه می‌کنیم. حالا وقتی به فصل ۵۳ می‌پسید، می‌گویید که این دقیقاً همان آیه است.

می‌گویید که خدا یا الوهیم از آسمان به پایین نگاه می‌کند. بنابراین، می‌توانید ببینید که در این دو آیه که دقیقاً موازی هستند، تغییر بسیار واضحی از نام یهوه به نام الوهیم، خدا، رخ داده است. بنابراین اتفاق مشابهی در آیه ۱۴ نیز رخ می‌دهد.

و چه کسانی خداوند (یهوه) را نمی‌خوانند؟ و سپس وقتی به مزمور ۵۳ نگاه می‌کنید، می‌گویید، چه کسانی خدا (الوهیم) را نمی‌خوانند؟ بنابراین دوباره، می‌بینید که در اینجا از یهوه برای خداوند و در اینجا از الوهیم برای خدا استفاده شده است. بنابراین، می‌بینید که مزمور ۵۳ سازگار است. فقط تصادفی نیست.

در نحوه‌ی جابجایی این چیزها ثابت است. همین موضوع در آیه‌ی ۱۴:۷ هم همینطور است. ضمناً، شاید بدانید که در مزمور ۱۴ و مزمور ۵۳، احمق در دل خود گفته است که خدایی وجود ندارد. این هم در مزمور ۱۴ و هم در مزمور ۵۳ آمده است.

احمق در دل خود گفته است که خدایی وجود ندارد. پس اینجا وقتی خداوند قلعه قوم خود را بازسازی می‌کند، می‌توانید ببینید که او یهوه است. و چه انتظاری می‌توان داشت؟ فقط اینجا حدس بزنید.

شما انتظار دارید که خدا، الوهیم، بخت و اقبال قوم خود را بازابد. و بنابراین، مزمور را می‌بینید که دقیقاً موازی یکدیگر هستند. و می‌بینید که چگونه به طور مداوم از یهوه در کتاب اول به خدا، الوهیم در کتاب دوم حرکت می‌کند.

و به همین دلیل است که به آن مزامیر الهی می‌گویند. و این واقعاً چیز جذابی است. ما داریم به کتاب دوم نگاه می‌کنیم.

و بنابراین این یکی از ویژگی‌های آن کتاب است. حالا ما به دنبال یکی دیگر هستیم، من فقط می‌خواهم جربانی از این موارد را در کتاب اول یا کتاب دوم ترسیم کنم. شکل‌گیری دیگری از بافت متعارف در کتاب دوم را می‌توان به صورت زیر به طور خلاصه بیان کرد.

مزامیر ۴۲ و مزامیر ۴۳ مقدمه‌ای بر کتاب دوم هستند. بنابراین، در مزامیر ۴۲ و ۴۳، گفتیم که مزامیر ۴۳ یک مزمور یتیم است. این دو مزمور به دلیل تکرارها با هم ترکیب می‌شوند و یک جفت مزمور تشکیل می‌دهند.

ترجیع‌بندها در آن دو مزمور دقیقاً یکسان هستند. و بنابراین آن دو به صورت جفت قرار می‌گیرند. و سپس سوالی که آنها اینجا می‌پرسند، ابراز تمایل به بودن با خدا مانند آهویی است که به دنبال آب می‌گردد.

پس ای خدا، جان من مشتاق توست، چنین چیزی. او قوم خدا را در صفوف جشن به یاد می‌آورد. اما اکنون مزمورنویس با تبعید و آب‌های آشفته در زیر کوه حرمون در شمال روبروست، ۴۲:۶، و از محراب معبد

خدا جدا شده است، در حالی که دو بار مورد طعنه و تمسخر این سوال قرار گرفته و ذهنش را مشغول کرده است.

و این سوال اصلی است که از آیات ۴۲ و ۴۳ مطرح می شود. او توسط دشمن مورد تمسخر قرار می گیرد. خدای تو کجاست؟ و سپس در آیات ۴۲ و ۴۳، روحش تشنه ی خداست، اما با این حال او در شمال، در پایین کوه حرمون است و دشمنش او را مورد تمسخر قرار می دهد.

و این گفته حتی او را آزار می دهد. خدای تو کجاست؟ مزمورنویس به بازگشت به قربانگاهی که خدا در آن است، امید دارد، جایی که مزمورنویس می تواند بار دیگر، خدا را با چنگ در خانه خدا ستایش کند. مزمور این امید، ترجیع بند و نقل قول سه بار تکرار شده مزمورنویس را هدایت و پشتیبانی می کند، زیرا من ۴۳:۴. هنوز او را ستایش خواهم کرد.

من هنوز او را ستایش خواهم کرد. سه بار این ترجیع بند با حدود شش آیه از هم جدا شده است، هر بار در ترجیع بند مزامیر ۴۲:۵، ۱۱، و ۴۳:۵ آیه پنجم، که این دو مزمور، ۴۲ و سه مزمور را به یک جفت متصل می کند، همانطور که مزمور ۱ و مزمور ۲ به یک جفت مزمور مقدماتی متصل بودند. بنابراین، مزمور ۱ و ۲ کتاب اول را معرفی کردند و در واقع مزمور ۱ و ۲ کل مزمور را معرفی کردند.

اما ۴۲ و ۴۳ کتاب دوم را با همان نوع تکنیک جفت سازی که در ۱ و ۲ استفاده شده بود، معرفی کردند. و همچنین مزامیر ۹ و ۱۰ نیز به صورت جفت به هم متصل شده اند. مزمور ۴۴ در ادامه می آید و ما می خواهیم این را با مزمور ۴۴ ادامه دهیم. مزمور ۴۴ پس از دادخواست یا مرثیه فردی دوبیتی مزمور ۴۲:۳، و ۴۳ با یک دادخواست جمعی که از یک نقل قول، من، مرا، مال من، به یک ما، ما، مال ما حرکت می کند، می آید. بنابراین، یکی فردی است، ۴۲، ۴۳ مرثیه فردی است.

و سپس آنچه در مزمور ۴۴ می بینید چیزی است که به آن مرثیه جمعی می گویند. ما، ما، ما، اول شخص جمع به جای اول شخص مفرد، همانطور که آنها برای شکست در برابر دشمنانشان در نتیجه طرد شدن و عدم حمایت الهی سوگواری می کنند. بنابراین، در مزمور ۴۲، ما به سبک اول شخص می خوانیم.

بذار ببینم اینو فهمیدم یا نه. آره، ۴۲ رو خوندم، چرا روح من افسرده ای؟ به خدا می گم، ای صخره ی من به اول شخص توجه کن، من، به خدا می گم، ای صخره ی من، چرا منو فراموش کردی؟ اول شخص مفرد. به ... حرکت معنی دار تو مزمور ۴۴ به اول شخص جمع وجود داره، ما، ما، ما

و بنابراین، ما آنجا خوانده ایم، ما با گوش هایمان شنیده ایم، ای خدا، اجداد ما به ما گفته اند، دل های ما به عقب برگشته اند. پاهای ما از راه تو منحرف نشده اند، اما تو ما را له کردی و ما را محل رفت و آمد شغال ها قرار دادی. تو ما را با تاریکی عمیق پوشاندی.

«بنابراین، به این مرثیه، مرثیه دسته جمعی می گویند، چون به جای اینکه «من»، «من» باشد، از «ما»، «ما» شروع می شود. سپس مزمور ۴۵ اساساً به ازدواج لذت بخش پادشاه و ستایش پادشاه در مزمور ۴۵ می پردازد، حال، یکی از سوالات بزرگی که آن مرد، در کتاب دوم، مطرح می کند این است که او درگیر این سوال است توسط دشمن مورد تمسخر قرار گرفته است.

خدای تو کجاست؟ بنابراین در آیات ۴۶ تا ۴۸، این تغییر می کند و سپس به صهیون، مکانی که خدا در آن ساکن است، تغییر می کند. پس خدای تو کجاست؟ حال پاسخ او در آیات ۴۶ تا ۴۸ به این تغییر می کند که خدای تو کجاست؟ ارائه صهیون، شهر خدا، فصل ۴۶، آیه چهارم، فصل ۴۸، آیات اول، دوم و هشتم به عنوان نقل قول، مکان مقدسی که خدای متعال در آن ساکن است. خدا در درون آن است.

خدا در درون کیست؟ در درون صهیون و بنابراین، این فصل ۴۶ آیات چهار و پنج است. خدا بر ملت‌ها سلطنت می‌کند.

بنابراین، او محدود به صهیون نیست. او بر ملت‌ها حکومت می‌کند و بنابراین، ۴۷ به نوعی یک اصلاحیه در اینجا دارد.

خدا در صهیون حکومت می‌کند و ۴۷ اساساً این است که خدا بر همه ملت‌ها حکومت خواهد کرد. و ۴۶، بنابراین از صهیون، پرستش خدا و تجلیل خدا از صهیون به اقصی نقاط زمین منتقل می‌شود. حضور او را در کوه مقدس خود، کوه صهیون، متمرکز می‌کند و آن را، به نقل از فصل ۴۸، آیه دوم، شهر پادشاه بزرگ می‌نامند.

بنابراین، مزمور ۴۸ یکی از آن مزامیر بزرگ است. اگر در اورشلیم هستید، مزمور ۴۸ مزمور بزرگی درباره اورشلیم و صهیون و پرستش خدا است که در آنجا متمرکز است. مزمور ۴۶ با این جمله الهی به پایان می‌رسد: «من در میان ملت‌ها سرافراز خواهم شد»، که سپس در پاسخ نهایی مزمورنویس در ۴۷ نیز تکرار می‌شود.

بنابراین، عدد ۴۶ به ۴۷ متصل است. در پایان ۴۶، خدا می‌گوید، من در میان ملت‌ها متعال خواهم شد. فصل ۴۷ می‌گوید پادشاهان زمین از آن خدا هستند.

او بسیار والا مقام است. بنابراین، این والا مقامی که در پایان آیه ۴۶ آمده است، با والا مقامی که در آیه ۴۷ از خدا در میان ملت‌ها دیده می‌شود، مرتبط است. از معبد است که ستایش خدا تا اقصی نقاط زمین طنین‌انداز می‌شود.

مزمور ۴۸ آیه نهم. صهیون، مضمون صهیون تا فصل ۵۱ ادامه دارد. و این نکته جالب اینجاست

بگذارید فقط ببینم، فکر می‌کنم این آیات را دارم. می‌خواهم ادامه‌ی مضمون صهیون را نشان دهم، نه فقط از ۴۶ تا ۴۸، بلکه فراتر از آن ادامه دارد. و بنابراین، در ۵۱، در پایان فصل ۵۱، مزمور توبه‌ی داوود، در آیه‌ی ۱۸ می‌گوید، به رضای تو، صهیون را کامیاب کن، دیوارهای اورشلیم را بنا کن.

و بنابراین در انتهای مزمور توبه داوود، پس از اعتراف به گناهش نزد بتشیع، با یک جمله بسیار قوی مواجه می‌شوید. این جمله در مورد ساختن دیوارهای اورشلیم است. سپس به فصل ۵۲ می‌رسیم که نوعی مزمور واقعاً منفی درباره گناه و درباره افراد شرور و دشمنان است.

و سپس در پایان، او به جنبه مثبت روی می‌آورد. او می‌گوید من مانند درخت زیتونی هستم که در خانه خدا شکوفا می‌شود. و البته آن خانه خدا، معبد است.

و سپس مزمور ۵۳ در آنجا می‌آید، ای کاش نجات اسرائیل از صهیون بیرون می‌آمد. بنابراین اینجا دوباره سرود صهیون را داریم که از آیات ۴۸ گذشته شروع می‌شود و به آیات ۵۱، ۵۲، ۵۳، آن مضمون، و سپس در واقع حتی اینجا به آیه ۵۵ می‌رسد. بنابراین، آیه ۵۵: ۱۴ می‌گوید که این آیه منعکس کننده‌ی دسته‌های عزاداری در خانه‌ی خدا است، جایی که، نقل قول می‌کنم، ما در میان عبادت‌کنندگان قدم می‌زدیم، که در ایام جشن بود، زمانی که آنها به اورشلیم می‌رفتند و بالا می‌رفتند.

بنابراین، می‌توانید ببینید که پاسخ به سوال ۴۲ و ۴۳، خدای شما کجاست، در فصل‌های ۴۶ تا ۵۵ اینگونه پاسخ داده شده است که خدا در صهیون است، خدا در صهیون است و پرستندگانش برای پرستش او به آنجا می‌روند، اما او فراتر از ملت‌ها متعالی است. و بنابراین، این به عقب برمی‌گردد. بنابراین، بسیار خوب این بخش بزرگی از کتاب دوم مزمور است.

پس از آنکه جایگاه خدا در معبد صهیون تثبیت شد، مزمور حکمتی در پی آن می‌آید که ناتوانی ثروت را در مواجهه با مرگ آشکار می‌کند، زیرا ثروتمندان درست مانند حیوانات در مزمور ۴۹:۱۲ و ۲۰ هلاک می‌شوند. مزمور ۵۰ به مضمون آیه دوم صهیون ۵۱:۵۰ بازمی‌گردد، جایی که خدا عظمت خود را اعلام می‌کند و روشن می‌سازد که نیازی به قربانی‌های آنها ندارد. چرا او نیازی ندارد؟ خدا غذای آنها را نمی‌خورد، قربانی‌های آنها غذای خدا نیستند.

در عوض، او گفت، اگر من غذا می‌خواستم، من صاحب گاوهای هزاران تپه هستم. آن سرود باشکوه را که قبلاً در کلیساها خوانده می‌شد، به یاد دارید، مزمور ۵۰ آیات ۹ تا ۱۳. مزمور ۵۱، توبه بزرگ داوود پس از ماجرایش با بت‌شعب، با اذعان به اینکه شما از قربانی لذت نمی‌برید یا من آن را می‌آوردم، روشن می‌کند همانطور که او قربانی خود را از یک قلب شکسته و پشیمان به عنوان پیش‌نیازی برای نزدیک شدن به خدا ارائه می‌دهد.

مزمور ۵۱ سپس نشان می‌دهد که چگونه صالحان توبه‌کار به گناهان خود اعتراف می‌کنند و قربانی‌هایی را از قلبی تازه آفریده شده و پاک تقدیم می‌کنند. مزمور ۵۱.۷ و آیه ۱۰. مزمور ۵۱ با فراخوانی برای رونق بخشیدن به صهیون و ساختن دیوارهای اورشلیم به پایان می‌رسد و به سرودهای صهیون در فصل‌های ۴۶ تا ۴۸ پیوند می‌خورد.

مزمور ۵۰ به صالحان می‌پردازد. در مقابل، آیات ۵۲ تا ۵۳ شیران را از طریق شخصیت دواغ، یک ادومی قاتل، توصیف می‌کند و به مضمون پوچی کسانی که به ثروت خود اعتماد دارند، بازمی‌گردد و به مزمور ۴۹ آیه ۲۰ پیوند می‌خورد و ابله‌ی را که در دل خود می‌گوید خدایی نیست، بیشتر شرح می‌دهد. ما همین الان مزمور ۵۳ و مزمور ۱۴ را با هم مقایسه کردیم.

حالا مقاله جدیدی هست که توسط مردی به نام بوت‌ا در مجله اسکاندیناوی عهد عتیق در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است. این مقاله اساساً نشان می‌دهد که چگونه از ۵۲ تا ۵۵. بنابراین، ما در مورد مضمون صهیون که از ۵۱ تا ۵۵ منتشر می‌شود صحبت کرده‌ایم، اما بوت‌ا نشان داده است که چگونه از ۵۲ تا ۵۵ به هم مرتبط هستند.

و بنابراین، من فقط می‌خواهم به نوعی برخی از استدلال‌های او را مرور کنم. و کاری که او انجام می‌دهد این است که می‌گوید آیات ۵۲ تا ۵۵ با این اصطلاح «مسکل» یا مزمور تعلیم به هم مرتبط شده‌اند. و بنابراین می‌بینید که چگونه عناوین مزمور ۵۲، ۵۳، ۵۴، و به نظر من ۵۵، بله، ۵۵ چیزهای مشابهی هستند.

بنابراین او این چهار مزمور را برای سرپرست موسیقی به هم پیوند می‌دهد، یک مسکیل یا مزمور آموزش داوود هنگامی که دواغ ادومی کارهای زشت خود را انجام داد. مزمور ۵۳، عنوان سرپرست موسیقی طبق گفته محلات، یک مسکیل داوود. می‌بینید که چگونه این‌ها دوباره برای سرپرست موسیقی، برای سرپرست موسیقی با سازهای زهی، با یکدیگر موازی هستند، یک مسکیل داوود، یک مسکیل داوود، یک مسکیل داوود هنگامی که زیفی‌ها کارهای زشت خود را انجام دادند.

دوباره برای مدیر موسیقی، مدیر موسیقی، مدیر موسیقی با سازهای زهی، یک ماسکیل داوود. دوباره، چهار بار در عناوین اینها، آنها را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، این قرار است گروهی از مزامیر باشد که به هم پیوسته‌اند، آن چهار

بسیار خوب. حالا قبل از اینکه ادامه دهیم، اجازه دهید مزمور ۵۲ را کمی بیشتر بسط دهم. موضوع فخر فروشی و توکل به ثروت و قدرت در مزمور ۵۲:۷ آشکار است. ببینید کسی که به خدا پناه نمی‌برد، بلکه به ثروت فراوان توکل می‌کند و به ثروت پناه می‌برد، و همچنین با مقایسه‌ای که در مزمور ۵۵ آمده است

اما تو، ای خدا، شریران را به چاه فساد فرو خواهی انداخت. مردان خونخوار و حيله گر، عمرشان به پایان نخواهد رسید. اما من به تو توکل دارم.

و بنابراین، تضاد کسانی که به ثروت توکل می‌کنند در مقابل کسانی که به خداوند توکل می‌کنند در مزمور ۵۲ آیه ۵۵. سپس هر دو به توکل، فخر و ثروت با ارمیا فصل ۹ آیات ۲۲ تا ۲۳ مرتبط می‌شوند که به طرز جالبی جالب است. هر دو در حال ایجاد ارتباط بین مزمور ۵۲ تا ۵۵ با ارمیا ۹ هستند. من فکر می‌کنم این ارتباط بسیار جالب است و باید دنبال شود.

در مزمور ۵۲ آیات دوم تا چهارم، زبان سلاحی خطرناک است، چنانکه می‌گوید: «تو نقشه نابودی می‌کشی. زیانت مانند تیغ تیز است، ای خیانتکار.» سپس در مزمور ۵۵، همین موضوع در مورد زبان نیز آمده است

سخنان او همچون کره روان است، اما در دلش جنگ است. سخنان او از روغن آرامش بخش تر است، اما شمشیری از نیام کشیده است. این همچنین با ارمیا، فصل نهم، آیه هفتم مرتبط است

بنابراین به نظر می‌رسد ارتباطی بین این چهار مزمور و ارمیا ۹ وجود دارد. من پیشنهاد می‌کنم که بسیاری از مزامیر، به ویژه مزمور ۱ و ارتباط آن با ارمیا ۱۷ را نباید نادیده گرفت. ارتباطات بزرگی بین ارمیا و مزامیر وجود دارد.

مزمور ۵۲ و ۵۴ با تأکید نهایی بر نام خدا در فصل‌های ۵۲:۹، ۵۴:۶ به هم مرتبط می‌شوند. و هم مزمور ۵۵ با دعوت از خدا برای گوش دادن آغاز می‌شوند. ۵۴:۲ و ۵۵:۱ و ۲. این رشته از مزامیر ۵۴ ماسکیل ۵۲ تا ۵۵ با گروهی از مزامیر با عنوان میکتام دنبال می‌شود و ببینید آیا این را اینجا داریم یا نه. میکتام ۵۶ تا ۶۰، از این کلمه میکتام استفاده می‌کند.

ما واقعاً نمی‌دانیم کلمه میکتام به چه معناست، باور کنید یا نه. بنابراین آن را ترجمه نمی‌کنند. آنها فقط آن را در متن قرار می‌دهند زیرا این یک میکتام است.

مدیر موسیقی در مجموعه دوم داوود، و این در این میکتام‌ها در مزمور ۵۶ تا ۶۰ وجود دارد. بنابراین ۵۲ تا مساکین برای آموزش هستند. مزامیر ۵۶ تا ۶۰، همه آنها با این اصطلاح میکتام مرتبط هستند، که ما ۵۵ نمی‌دانیم واقعاً به چه معناست.

بنابراین، آن را فقط میکتام می‌نامد. پرش به مزمور ۶۳ شاید پاسخی برای غیبت آشفته و الهی او در فصل‌های ۴۲ و ۴۳ باشد که اکنون به «من تو را در محراب دیده‌ام» تغییر می‌کند. بنابراین، در مزمور اول، غیبت خدا وجود دارد.

خدای تو کجاست؟ او در فصل‌های ۴۶ تا ۵۲ یا ۵۳ به صهیون می‌رود. و اکنون در فصل ۶۳ می‌گوید: «تو را در محراب دیدم که سوگند خوردم تا زمانی که زنده‌ام، با دستانی افراشته تو را ستایش کنم.» مزمور ۶۳ آیه دوم و آیه ۱۳ و آیات بعد.

بدون اینکه کل کتاب دوم را در مزامیر اولیه بخوانیم، درخواست، ناله و شکایت غالب هستند. هرچه به پایان نزدیک‌تر می‌شویم، سرودهای ستایش در مزامیر ۶۵ تا ۶۸، حتی در مزامیر اصلی، بیشتر به چشم می‌آیند. و حالا فقط نگاهی به آن می‌اندازیم و اجازه می‌دهیم کمی متوجه این موضوع شویم.

بنابراین اساساً ما با سرودهای سوگواری، سوگواری جمعی، ما، ما، سوگواری ما، یا سوگواری فردی، من، من، مال من شروع کردیم. و حالا اساساً چیزی که در انتهای کتاب داریم سرودها هستند. و بنابراین، صفحات ۶۵ تا ۶۸ سرودها هستند.

سرودها قرار است جایی باشند که الف (و بعد گفتیم، مزمور ۷۱ داوود ضعیف است، اول پادشاهان ۱. و سپس داوود ضعیف در ۷۱ با قدرت سلیمان دنبال می‌شود. و این بسیار شبیه به اول پادشاهان ۲ تا ۳ است جایی که داوود ضعیف با ابیشاگ و کل وضعیت آنجا با پادشاه شدن سلیمان و بر تخت نشستن سلیمان و برادرش ادونیا و کشمکش که در آنجا اتفاق می‌افتد. اما داوود ضعیف بود.

همان ضعیف و ناتوانی سلیمان در انتهای کتاب دوم دیده می‌شود. و بنابراین، این نوعی ارتباط جالب در آنجاست. و همچنین، این ارتباط، کتاب دوم از مرثیه اولیه غیبت و دوری خدا از جایگاه ستایش، مزمور ۴۲ و ۴۳، به صهیون، شهر خدا، ۴۶ تا ۴۸، به حکمت، فصل ۴۹، و سپس به قربانی‌ها، مزمور ۵۰ و ۵۱ و گناه در ۵۲ و ۵۳ می‌پردازد. در ۵۴ تا ۶۴ با دو مزمور «به من رحم کن» در ۵۶ و ۵۷، که هر دو با «به من رحم کن» شروع می‌شوند، مرثیه سرایی می‌کند.

و پژواکی از عطش خدا، موتیف عطش خدا که از ۴۲ گرفته شده و سپس از ۶۳ شروع می‌شود، عطش خدا مانند آهویی که با نفس نفس زدن به دنبال کتاب‌های آب می‌گردد. سپس از ۶۵ تا ۶۸ با چندین سرود ادامه می‌یابد. و کتاب ۲ با گذار از عصر ضعیف داوود مزمورنویس، مزمور ۷۱، مانند اول پادشاهان ۱، به پادشاه، پر جنب و جوش سلیمان در مزمور ۷۲ و همچنین مشابه اول پادشاهان ۲ و ۳ به پایان می‌رسد. کتاب ۲ که از مزمور ۴۲ تا مزمور ۷۲ است، به روشی پایان می‌یابد که مشخصه بسیاری از کتاب‌های مزامیر با ستایش دوگانه و آمین دوگانه است.

این پایان دعا‌های داوود، پسر یسی است. و بنابراین، در کتاب دوم نیز مانند کل مزامیر، حرکتی وجود دارد. در کل مزامیر، آنها مرثیه‌ها را در ابتدا قرار می‌دهند.

و بسیاری از مزامیر در کتاب اول، فصل‌های ۳ تا ۴۱، بسیاری از آنها مرثیه‌های داوودی هستند. و با این حال، مزامیر، مزمور ۱۴۵ تا ۱۵۰، با ستایش به پایان می‌رسد. بنابراین، با مرثیه‌ها شروع می‌شود و سپس کل مزامیر با ستایش به پایان می‌رسد.

کتاب دوم هم همینطور است. با این مرثیه‌ها شروع می‌شود. خدای تو کجاست؟ به صهیون می‌رود و سپس با این سرودهای ستایش در انتهای کتاب دوم به پایان می‌رسد. و سپس داوود را دارید، این گذار بین داوود و سلیمان که اتفاق می‌افتد. و سپس کتاب با دعا‌های داوود، پسر یسی، به پایان می‌رسد.

و سپس کتاب با یک ستایش و دو آمین به پایان می‌رسد. خب، این جریان، جریان مرثیه تا ستایش است که در موردش صحبت کردیم. و بنابراین، فقط می‌خواهم برگردم و مروری بر کارهایی که انجام دادیم داشته باشم و بعد به پایانش برسیم.

ما با اشاره به این نکته شروع کردیم که کتاب مزامیر، تهیلیم نام داشت. و این تهیلیم از کلمه حلال می‌آید که به معنی هلولویه، به عنوان ستایش خداوند است. بنابراین، عنوان کتاب مزامیر از حلال می‌آید که به معنی ستایش‌هاست.

و ما در مورد آن صحبت کردیم. ما در مورد مطابقت پنج کتاب مزامیر یا زبور با پنج کتاب موسی در تورات، یعنی اسفار پنجگانه، صحبت کردیم. و بنابراین، ما کتاب اول، فصل‌های ۱ تا ۴۰، فصل‌های ۲، ۴۲ تا ۷۲ را داریم.

این همان بخشی است که ما قصد داریم روی ستایش‌ها تمرکز کنیم. و سپس کتاب ۳، ۷۳ تا ۸۹، کتاب ۴ تا ۱۰۶، و کتاب ۵ با ۱۰۷ تا ۱۵۰ به پایان می‌رسد. ستایش، آمین، و دعا‌های داوود به پایان می‌رسد، و ۹۰. ستایش و آمین.

و هر یک از آن کتاب‌ها نشان می‌دهد که به پایان رسیده است. عناوین کتاب دوم، چیزی است که به آن مجموعه دوم داوود می‌گویند، مزمور ۵۱ تا ۷۰. به آن مجموعه دوم داوود می‌گویند.

اولین مجموعه مزامیر مربوط به داوود، مزامیر ۳ تا ۴۱ است. پسران قورح در فصل‌های ۴۲ تا ۴۹ یافت می‌شوند. و پس از ضعف داوود در مزمور ۷۱، با مزامیر سلیمان به پایان می‌رسد.

و بنابراین، مزامیر الوهیستی که ما در مورد آن بحث کردیم، تغییر نام یهوه یا خداوند در کتاب‌های ۱، ۴ و ۵ به الوهیم مورد علاقه در مزامیر ۴۲ تا ۸۳ بود. و ما مزمور ۱۴ را، همانطور که احمق در دل خود گفته است، با مزمور ۵۳ مقایسه کردیم، که همان چیز را می‌گوید، اما نام در مزامیر الوهیستی از یهوه به الوهیم تغییر یافته است. مزامیر الوهیستی کتاب ۲ ما، آیه ۴۰، فصل‌های ۴۲ تا ۸۳ است.

بنابراین، در این مورد تغییری در نام وجود داشت. جریان روایی کتاب از مرثیه به ستایش و این سوال که خدا ما را به کجا به صهیون و از آنجا به اقصی نقاط جهان هدایت می‌کند، تغییر می‌کند. حلقه‌ی اتصال بین مزمور ۵۲ و ۵۳ در مقاله‌ی بوتا، ماسکیل، یعنی زبان به عنوان سلاح، است.

و آن سه مزمور، چهار مزمور به خوبی به هم مرتبط هستند. این چیزی است که امروز می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم. ارائه بعدی ما سه شخصیت اصلی کتاب مزامیر را معرفی خواهد کرد و همچنین به طور خاص توجه ما را به آن سه شخصیت و نحوه قرارگیری آنها در کتاب دوم مزامیر معطوف خواهد کرد.

و اولین دشمن ما خواهد بود. و بنابراین، اساساً دشمن، طعنه خواهد زد و سعی خواهد کرد ما را به دام بیندازد. او ما را شرم‌منده و بی‌آبرو خواهد کرد و سعی خواهد کرد ما را بکشد، نابود کند و از زبانش برای نابودی استفاده خواهد کرد.

دشمن در کتاب مزامیر بسیار قوی حضور خواهد داشت. و سپس مزمورنویس، مزمورنویس التماس خواهد کرد زیرا در برابر دشمن احساس ناتوانی می‌کند. مزمورنویس تبدیل به آن التماس‌کننده‌ای خواهد شد که به درگاه خدا می‌رود و می‌گوید، خدایا، لطفاً به من کمک کن.

بنابراین، شما با دشمنی روبرو هستید که مزامیرنویس با آن روبروست، کسی که اینجا مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. و سپس تا حد زیادی خدا به عنوان یک پادشاه به تصویر کشیده شده است. و من می‌خواهم دفعه بعد که بحث را ادامه می‌دهیم، این سه چیز را به ویژه با تمرکز بر استعاره خدا به عنوان پادشاه، بسط دهیم.

و این استعاره کلید فهم کتاب مزامیر است. در واقع، این استعاره کلید فهم عهد عتیق است. بنابراین، این سه شخصیت نقش بزرگی ایفا می‌کنند و دفعه بعد به آن سه شخصیت خواهیم پرداخت.

.متشکرم. مشتاقانه منتظر حضور شما در ارائه دیگری هستیم.

این دکتر تد هیلدبرانت در حال تدریس در مورد ستایش خدا در کتاب دوم مزامیر است. این جلسه شماره یک، متن اصلی کتاب دوم مزامیر است.